

از یاران ما آلتش در گوش آن کرد و چندی آنکشتش بزند پس
آن روز فریاد بسیار کرد و شب وفات کرد پس آن نیز طلسمیت
پیر عجیبی با بسیار است اما این مقدار که از لفظ مبارک
شیخ کرده بودیم تمنا و تبرکاً درین ضرباب آوردیم
و این قصه هرمان درسی کتاب آورده اند از جمله صاحب
کشف در کتب سبع الابرار آورده و از غریبات انجاسیا
آورده اما ما بدین قصه کتفا کردیم تا عقلاً در آن تا ملاحظه کنند
پس با ما این معنی که حق تعالی این قصه یوسف
عله السلام بک قصه است چرا قصص فرمود که **قول**
نحن نقص علیک احسن القصص علماء در اینجا چند
قول گفته اند **یک** قول آنست که این سوره خود ششم
بر چند قصه **اول** خواب دیدن یوسف **دوم** کید برادر
سوم فروختن او در مصر **چهارم** عجز و پجالتی
در دست کاروانیان **پنجم** عاشق شدن زلیخا و کید او
ششم دست بردن زنان قصر **هفتم** یوسف در زندان

و صورتها

و صورتها که در زندان بر او واقع شد **هشتم** خواب دیدن
ملک ریان و محافظه مملکت و قوتها را از خیره کردن یعقوب
علیه السلام با فرزند آن عصا آمدن و این همه بیتیهای مختلف
که بظهور آمد مناسب بود درین باب نیات آوردن تا مورد
مؤمن موحد عارف از هر نکته پند نامه بردارد و مرشد
راه خود بشازد **تمام شد باب نیات** یعنی الله تعالی
و در باب علوم شروع کنیم ان شاء الله تعالی
بسم الله الرحمن الرحیم **و به نستعين**
چون معنی نیات معلوم شد **بدا** که هیچ علمی بی عمل
راست نمی آید چرا که سر جمله خیرات و سعادات در جهان
واصل حیوة جاودانی و کام را اینهای آن جهانی و بنیاد
مقامات راه حق تعالی جل جلاله از نهد و معرفه و تصوف
و دین و ایمان و مسلمانی و ملت هر علم است که با نهر علمی
بلکه آن علمی باشد که از حفره عزت باشد که بفضل خود و عطای
خود تبدیل اینا علیهم السلام نهاده باشد یا بواسطه